

199-113

199-11P

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 199

Date of filing: 6 APR 84

** AWARD - Type of Award Final
 - Date of Award 17 March 84
 _____ pages in English 9 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

 - Date _____
 _____ pages in English _____ pages in Farsi

۱۱۹-۱۱۳

۱۱۹-۱۱۳

پرونده شماره ۱۹۹

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۱۹۹ - ۱۱۷

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

امریکن ها وزینگ اینترنشنال اینکورپوریتد،

خواهان،

- و -

شرکت تعاونی مسکن افسران ژاندارمری کل کشور،

بانک صادرات ایران و دولت جمهوری اسلامی ایران،

خوانندگان.

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه دآوری دعاوی ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED	
No. 199	شماره
Date 06 APR 1984	تاریخ
۱۳۶۳ / ۱ / ۱۷	

حکم

حاضران:

از طرف خواهان: آقای هنری موریس، رئیس امریکن ها وزینگ اینترنشنال

از طرف خواننده: آقای محمدکریم اشراق، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران،

آقای خسروطیسی، مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای نعمت الله فرمین، وکیل شرکت تعاونی مسکن افسران

ژاندارمری کل کشور،

آقای هوشنگ رامی

آقای علی اصغر مهابادی، مشاوران حقوقی شرکت تعاونی مسکن

افسران ژاندارمری کل کشور،

آقای محسن اربابیان، نماینده بانک صادرات

آقای جان کروک، نماینده رابط ایالات متحده امریکا

سایر حاضران:

اول - واقعیات و اظهارات

امریکن ها وزینگ اینترنشنال اینکورپوریتد ("ا.ا.آی") در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۸۲ (۱۸ دیماه ۱۳۶۰) دوا دعای جداگانه علیه بانک صادرات ایران ("بانک صادرات") و شرکت تعاونی مسکن افسران ژاندارمری کل کشور ("شرکت تعاونی") دردیوان داوری به ثبت رساند. در هر دو ادعا از دولت ایران نیز به عنوان خواننده یاد شده است.

خواهان، در ادعای خود علیه بانک صادرات ("ادعای بانکی") با ذکر اینکه معادل ریالی مبلغی در حدود ۱۵۶,۰۰۰ دلار آمریکا را نزد بانک صادرات تودیع کرده است، مبلغ مزبور را مطالبه می کند. طبق گفته خواهان، بانک در قبال عدم پرداخت چک هایی که خواهان عهده حساب خود صادر نموده، مسئول می باشد، زیرا که از انتقال وجوه خواهان خودداری کرده است.

بانک صادرات در لایحه دفاعیه خود که در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۲ (۲۴ خردادماه ۱۳۶۱) به ثبت رسانده، اظهار داشته است که: "اولاً"، تابعیت آمریکایی خواهان محرز نگردیده و در ثانی، از آنجا که مبلغ ادعا از ۲۵۰,۰۰۰ دلار آمریکا کمتر است، دولت ایالات متحده می بایست آنرا تسلیم می کرد. از لحاظ ماهیت ادعا، بانک صادرات تصدیق می کند که خواهان حسابی (حساب شماره ۷۵۵) نزد آن بانک افتتاح کرده، اما بانک متعاقباً "متذکر شده است که مبلغ ۳۰,۰۰۰ ریالی که بدو" به حساب مزبور واریز شده بود، بعداً "با امضای مجازی از طرف ا.ا.آی. از آن حساب برداشت شده است. بنا به اظهار بانک صادرات، از تاریخ برداشت مبلغ مزبور، حساب یاد شده فاقد موجودی بوده است. طرفین در تائید لوایح خود، سوگندنامه هایی در دیوان به ثبت رسانده اند.

خواهان در مورد ادعای خود علیه شرکت تعاونی ("ادعا علیه شرکت تعاونی") استدلال کرده که شرکت تعاونی، واحدی است تحت کنترل دولت جمهوری اسلامی ایران و کنترل آن بگونه ای است که در بیانیه حل و فصل دعاوی تعریف شده است. خواهان همچنین مدعی است که خواندگان بابت هزینه هایی که ا.ا.آی در ارتباط با پروژه ساختمانی شرکت تعاونی، متقبل شده و خدماتی که بدان شرکت عرضه نموده است، مبلغ ۳,۰۰۰,۰۰۰/- دلار آمریکا به وی بدهکارند، چه، ا.ا.آی. در مورد پروژه مزبور پیشنهادهای

تسلیم کرده و شرکت تعاونی پیشنهادها دیا د شده را پذیرفته بود. دولت ایران و شرکت تعاونی به این ادعاها اعتراض کرده اند. خوانندگان مذکور استدلال می کنند که شرکت تعاونی طبق اساسنامه اش تحت مدیریت خصوصی بوده و از این قرار به وضوح، خارج از حیطه شمول تعریف "ایران" که بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعای به دست داده است، قرار می گیرد. از این رو، خوانندگان به صلاحیت دیوان داوری معترضند.

دوم - صلاحیت

۱. ا. آ.ی. در تائید ادعای خود به منظور اثبات اینکه در تمام اوقات ذیربط، حائز تابعیت مذکور در بیانیه حل و فصل دعای بوده است، به سوگندنامی که حسابدار خبره، و نسخه ای از گواهی تشکیل شرکت و مدارک دیگر استناد می کند. نظریه فقدان ایتراد موثری از طرف خوانندگان در این باب، دیوان داوری چنین نتیجه می گیرد که مدارک پیش گفته به نحو قانع کننده ای اثبات می کنند که "ا. ا. آ.ی. یک شرکت امریکائی است، و ثانیاً"، در تمام اوقات ذیربط، اشخاص حقیقی که شهروندان امریکا هستند، در سهام سرمایه ای شرکت مزبور معادل پنجاه درصد یا بیشتر حقوق و منافع داشته اند.

دیوان داوری همچنین متذکر می گردد که در مورد ادعای بانکی نه بانک صادرات و نه دولت ایران، به ادعای خواهان دائر بر شمول مفهوم "ایران" بر بانک صادرات، بدانگونه که در بیانیه حل و فصل دعای تعریف شده است، اعتراضی نکرده اند. نظریه عدم چنین اعتراضی در پرونده حاضر، دیوان داوری به استناد مدارک موجود نتیجه می گیرد که ادعای بانکی مشمول صلاحیت دیوان واقع می شود.

آنچه که باید مشخص گردد این است که آیا ادعای مطرح علیه شرکت تعاونی طبق مدلول بیانیه حل و فصل دعای، ادعائی علیه "ایران" محسوب می شود یا خیر.

خواهان استدلال می کنند که شرکت تعاونی مسکن افسران ژاندارمری کل کشور، واحدی است تحت کنترل (دولت ایران) بنحوی که در بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعای تعریف شده است. خوانندگان در برابر این استدلال اذعان دارند که ژاندارمری کل کشور،

فی الواقع یکی از تقسیمات فرعی سیاسی ایران، یا به عبارت دیگر، یک سازمان یا تشکیلات دولت ایران می باشد. با این حال، خوانندگان اظهار می دارند که افسران ژاندارمری ایران، شرکت تعاونی را به عنوان یک شرکت تشکیل داده اند و کنترل آن را ارگانهای شرکت بنحومصرح در اساسنامه، در دست دارند. از این رو، خوانندگان ادعای مربوط به کنترل شرکت تعاونی توسط دولت ایران را، انکار می کنند.

بررسی اساسنامه شرکت تعاونی و مواد ذیربط قانون تجارت ایران در تشخیص اینکه چه مرجعی کنترل شرکت تعاونی را در دست دارد، ماریاری می دهد. دیوان داری جهت تعیین وضعیت شرکت تعاونی، به ویژه از مقررات ذیل که در قانون تجارت ایران آمده، یساری می گیرد. ماده ۲۰ قانون تجارت ایران مقرر می دارد که شرکت های تجاری بر هفت قسم است، که قسم هفتم آن عبارتست از "شرکتهای تعاونی تولید و مصرف".

ماده ۵۸۳ همان قانون حاکی است که "کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند". ماده ۵۸۹ قانون مزبور نیز مقرر می دارد که: "تصمیمات شخص حقوقی بوسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند، گرفته خواهد شد".

اکنون با مراجعه به مفاد مواد ذیربط اساسنامه شرکت تعاونی، ملاحظه می شود که اولاً، طبق ماده ۱۷ اساسنامه مزبور ارکان شرکت عبارتند از مجمع عمومی صاحبان سهام، هیئت مدیره، مدیر عامل و بازرسان شرکت.

در ماده ۳۱ اساسنامه یاد شده ضمناً "پیش بینی شده است که: "هر یک از اعضاء صرف نظر از تعداد سهامی که داشته باشد، در مجامع عمومی اعم از عادی یا فوق العاده فقط دارای یک رای خواهد بود".

طبق ماده ۳۴ اساسنامه: "اداره امور شرکت به عهده هیئت مدیره ای است مرکب از هفت نفر اعضاء اصلی که برای مدت دو سال از طرف مجمع عمومی به اکثریت آراء از بین شرکاء، انتخاب می شوند...."

ماده ۳۷ اساسنامه، وظایف، اختیارات و مسئولیت های هیئت مدیره را به شرح زیر تعیین می کند:

- ۱ - اجرای تصمیمات مجامع عمومی .
 - ۲ - تنظیم ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت و گزارش آن به مجمع عمومی .
 - ۳ - عزل و نصب و تعیین وظائف و اختیارات مدیرعامل .
 - ۴ - تصویب پروژه های ساختمانی شرکت .
 - ۵ - پیشنهاد آئین نامه ها به مجمع عمومی .
 - ۶ - امضاء قراردادهای مربوط با اجرای پروژه های ساختمانی .
 - ۷ - امضاء هر نوع قرارداد با توجه به مفاد اساسنامه .
 - ۸ - هیئت مدیره برای انجام وظایف مقرر در این اساسنامه دارای تمام اختیارات بوده و نسبت به کلیه مسائلی که مربوط به شرکت است حق اتخاذ تصمیم دارد با استثناء آنچه در وظائف مجامع عمومی تصریح شده است .
- بالاخره ، ماده ۳۸ تعریف اختیارات و وظایف مدیرعامل را که شامل اختیارات مربوط به اداره امور جاری شرکت در محدوده اختیاراتی که هیئت مدیره به وی تفویض کرده است ، به دست می دهد .
- این مقررات حاکی از آنست که ژاندارمری کل کشور ، شرکت تعاونی را اداره و کنترل نکرده بلکه اداره و کنترل آن بدست اعضای صورت می گیرد که صاحب سهام شرکت تعاونی بوده و به عنوان سهامداران اختیار انتخاب اعضای هیئت مدیره را دارند . این واقعیت که سهامداران شرکت تعاونی همگی حرفه یکسانی دارند ، بدان معنی نیست که اختیار و کنترل از ایشان سلب شده و به سازمان حرفه ای که اعضاء بدان وابسته اند ، تفویض میشود . اعضای شرکت به سبب وابسته بودن به یک سازمان حرفه ای خاص ، شرایط صاحب سهم شدن در شرکت تعاونی را احراز نمی کنند . لیکن فقط آنان در مقام صاحبان سهام شرکت تعاونی ، می توانند طبق اساسنامه ، شرکت تعاونی را کنترل نمایند و لاغیر .
- خواهان چند فقره نامه صادره توسط شرکت تعاونی را که به امضای تیمسار محقق رسیده

است، در تأیید ادعای خود، دائر بر اینکه نام‌های مزبور حاکی از تعهدات ژاندارمری کل کشور و نیز دولت ایران است، به دیوان داوری تسلیم کرده است. دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که تیمسار محقق این نام‌ها را به عنوان "رئیس هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن افسران ژاندارمری کل کشور" امضاء کرده است و دلیلی در دست نیست که تعهدات متقبله به موجب این نام‌ها، به فرض که تعهدی در بین باشد، متوجه ژاندارمری کل کشور بوده است و نه شرکت تعاونی.

خواهان مدعی است، و در این باره مدارکی تسلیم کرده است، که دولت ایران در ساختمان پروژه شرکت تعاونی، دخالت داشته و بصورت مختلف از جمله، از طریق تهیه زمین، تجدید نظر در نقشه‌ها و مدارک مربوطه دیگر و تامین مالی پروژه به شرکت تعاونی کمک کرده است. با این حال، به نظر دیوان داوری، حتی اگر دولت در امر پروژه دخالتی هم می‌داشت، این امر فی نفسه برای اثبات کنترل دولت بر شرکت تعاونی کافی نمی‌بود.

بنا به مراتب پیش گفته، دیوان داوری در این پرونده چنین نتیجه می‌گیرد که دلائل کافی در دست نیست که شرکت تعاونی تحت کنترل (دولت) ایران، طبق بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی می‌باشد. بالنتیجه، دیوان داوری برای این نظر است که جهت رسیدگی به "ادعای شرکت تعاونی" که علیه شرکت تعاونی مطرح شده صلاحیت ندارد.

سوم - ماهیت دعوی

الف - ادعای بانکی

۱. ا.ج.آی. خواستار جبران وجوهی است که حسب ادعا در شعبه لارستان بانک صادرات تودیع شده و حسب اظهار معادل ۱۵۶,۰۰۰ دلار آمریکا بوده است. طبق اظهار خواهان، بانک صادرات بنا حق از پرداخت چک‌هایی که خواهان عهده حساب خود صادر نموده، خودداری کرده است.

خواننده، بانک صادرات ضمن اینکه تصدیق می‌کند حساب شماره ۷۵۵ در واقع به نام ۱. ا.ج.آی. افتتاح شده، استدلال می‌کند که تنها مبلغ ۳۰,۰۰۰ ریال به حساب مزبور واریز گردیده و این مبلغ بعداً طی چکی با امضای مجاز از طرف شرکت، برداشت شده است.

بانک اظهار می‌دارد که از آن تاریخ بپس مانده حساب مزبور صفر بوده است .

طرفین در تائید ادعای مربوط به خود ، سوگندنامه‌ها و رونوشت چکهای صادره توسط خواهان و پاره‌ای اسناد بانکی دیگر را تسلیم نموده‌اند . خانم فریده موریس ، که یکی از کارمندان شرکت و همسر هنری موریس است ، در سوگندنامه‌ای که در تائید ادعای خواهان به ثبت رسیده است ، اظهار می‌دارد که وی مبلغی معادل ۱۵۶,۰۰۰ دلار آمریکا به پول ایران به حساب شماره ۷۵۵ شعبه لارستان بانک صادرات واریز کرده است . نامبرده اضافه می‌کند که بانک چکهائی را که وی متعاقبا " کشیده ، پرداخت نکرده است . در برابر اظهارات مزبور ، بانک صادرات سوگندنامه آقای خلیل نژاد ، رئیس سابق شعبه لارستان بانک صادرات را به ثبت رسانده که سوگندنامه خانم موریس را رد کرده و گواهی می‌کند که اظهارات بانک صادرات عینا " منعکس کننده واقعیات است .

بنا به شهادت آقای خلیل نژاد ، در حساب شماره ۷۵۵ تنها دو فقره معامله صورت گرفته است ، به این قرار که مبلغ ۳۰,۰۰۰ ریال به آن حساب تودیع و همان مبلغ از حساب مزبور برداشت شده است . نامبرده متذکر می‌شود که تعدادی چک عهده حساب مورد اختلاف صادر شده بود ، اما یک چک به علت فقدان موجودی برگشت و سایر چکها به "دلیل مقررات ارزی" عودت داده شد . توضیح بانک صادرات در مورد چکهای برگشتی به دلیل مقررات ارزی اینست که بانک طبق روال معمول در مورد این قبیل چکها ، ابتدا چکهای مزبور را به اداره امور بین المللی بانک فرستاد . اداره امور بین المللی بانک ، بر اساس مقررات ارزی که مقارن همان تاریخ وضع شده بود ، لازم ندید که چکهای مزبور را برای شعبه مربوطه ارسال دارد . بلکه ، چکها را برگشت داده و اعلام کرد که بانک طبق مقررات ارزی موجود نمی‌تواند دستور پرداخت وجه به خارج از کشور را صادر نماید . به عبارت دیگر ، چون با وجود مقررات ارزی ، مسئله داشتن یا نداشتن موجودی در حساب مطرح نبود ، اداره امور بین المللی لازم نمی‌دید هر بار که تقاضائی دریافت می‌کرد یا شعبه مربوط تمسّاس بگردد .

دیوان داوری خاطرنشان می‌سازد که مدارک عمده مربوط به ادعای بانکی خواهان ، حداکثر موید آنست که چند فقره چک عهده حساب شماره ۷۵۵ صادر گردیده و چکهای مزبور برگشت خورده است . لیکن ، همانطور که قبلا " ذکر شد ، خوانندگان منکر وصول و برگشت چند فقره چک

نیستند. از این رو، تنها موضوعی که باید مشخص شود آنست که حساب خواهان موجودی داشته یا نداشته است. دیوان داوری بر این نظر است که صرف صدور تعدادی چک عهده حسابی، فی نفسه برای اثبات وجود وجه در حساب کافی نیست، خواهان، جزوگند نامه خانم موریتی، دلیل و مدرکی در این باره ارائه نکرده است و سوگندنامه آقای خلیل نژاد با سوگندنامه مزبور مغایرت دارد. با توجه به اسناد و مدارکی که توسط طرفین تسلیم گردیده و نیز به استناد سایر مدارک ذیربط، دیوان داوری متقاعد نشده است که حساب شماره ۷۵۵ موجودی داشته است. در نتیجه تصمیم دیوان داوری اینست که ادعای مطروح علیه بانک صادرات باید مردود شناخته شود.

ب - ادعا علیه شرکت تعاونی (به نحوی که متوجه دولت ایران می باشد)

در مورد ادعای مربوط به شرکت تعاونی که علیه دولت ایران اقامه شده، لازم به تذکر است که تنها مدرک موجود در این مورد عبارت از نامه ای است که توسط سخنگوی سفارت دولت موقت انقلابی ایران به عنوان خواهان صادر و در آن اعلام شده که دولت ایران مطالبات خواهان بابت خدمات عرضه شده توسط ا.ا.ج.آ.ی. را به میزانی که بعداً "تعیین خواهد شد، خواهد پرداخت. در ادامه نامه مذکور به خواننده اطلاع داده شده است که وکلای سفارت جهت نیل به حل فوری موضوع با خواهان تماس خواهند گرفت.

دولت ایران منکر آنست که امضاء کننده نامه مورد بحث، در آن موقع سمتی در سفارت داشته است و استدلال می کند که بلافاصله بعد از انقلاب، امور سفارت به دست بسیاری گروه های خودگمارده افتاد که از طرف دولت مرکزی اختیار خاصی نداشتند. لیکن، فرضاً "که چنین باشد، نکته اینست که سفارت یا سخنگوی سفارت از نظر قانون صلاحیت ندارند که به نیابت از طرفیک واحد خصوصی، که اساساً آن مقامات مختار و ذیصلاح آن را مشخص کرده است، تعهداتی را قبول کنند. البته، می توان استدلال کرد که نامه مزبور در حکم ضمانت مستقلی توسط دولت ایران جهت پرداخت حق الزحمه خواهان بابت خدماتی که حسب ادعا انجام شده است، می باشد. این استدلال نیز مردود است، زیرا هم طبق قوانین ایران و هم طبق قوانین ایالات متحده، برای اینکه ضمانتی ایجاد تعهد نماید، لازم است که معلوم و مشخص باشد. حال آنکه، نامه مورد بحث، به فرض که جنبه وعده و وعید هم داشته باشد، وعده مبهمی است حاکی از اینکه طلب خواهان از دولت ایران پرداخت خواهد شد.

بنابه مراتب پیش گفته ، دیوان داوری نتیجه می گیرد که این ادعا قابل قبول نیست .

ج - هزینه

تحت شرایط حاکم بر این پرونده ، تصمیم دیوان داوری این است که هریک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود را تقبل نماید .

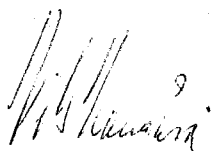
چهارم - حکم

بدینوسیله ، حکم دیوان به شرح زیر صادر می شود :

ادعاهای مطروح، مردود شناخته می شوند .

هریک از طرفین باید هزینه های داوری مربوط به خود در این پرونده را تقبل نماید .

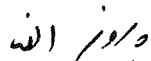
لاشه ، به تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۴ برابر با ۲۷ اسفندماه ۱۳۶۲



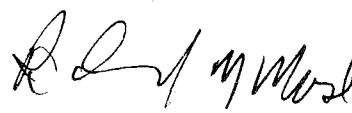
نیلز منگارد

رئیس شعبه سه

به نام خدا



پرویز انصاری معین



ریچارد ام . ماسک

نظر مخالف